

سر مقاله

ارزایشی تا کجا جواب می‌دهد؟

ادامه از صفحه یک

به بیان ساده، نمی‌توان از یک طرف دلار را برای کنترل بازار فروخت و از طرف دیگر با سیاست‌های پولی و مالی، نقدینگی و تقاضای جدید ایجاد کرد.

موضوع نقدینگی نیز دقیقاً از همین‌جا اهمیت پیدا می‌کند. رشد نقدینگی به‌تنهایی به این معنا نیست که هر افزایش نقدینگی بلافاصله نرخ دلار را بالا می‌برد؛ اما زمانی که رشد پول از رشد تولید و عرضه کالا و خدمات فاصله می‌گیرد، بخشی از نقدینگی می‌تواند به سمت طلا، ارز و سایر دارایی‌ها حرکت کند. در این وضعیت، بازار ارز به محل پناه بردن بخشی از نقدینگی سرگردان تبدیل می‌شود.

حتی خطر بزرگ‌تر آن است که این شرایط، رفتار تولیدکننده را نیز تغییر دهد. وقتی یک تولیدکننده می‌بیند ارزش ریال مرتب کاهش می‌یابد و نگهداری ارز می‌تواند در کوتاه‌مدت بازده بیشتری از تولید داشته باشد، ممکن است بخشی از سرمایه خود را به جای خرید مواد اولیه، توسعه کارخانه و ایجاد اشتغال، به رفتاری گسترده شود، اقتصاد وارد یک چرخه خطرناک خواهد شد: کاهش ارزش ریال، افزایش تقاضای ارز؛ افزایش تقاضای ارز، افزایش بیشتر نرخ ارز؛ و افزایش نرخ ارز، کاهش انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری. از سوی دیگر، نمی‌توان تمام افزایش نرخ ارز را به جنگ و محاصره نسبت داد. تحریم و محدودیت خارجی بدون تردید هزینه تجارت و انتقال پول را افزایش می‌دهند و دسترسی به منابع ارزی را دشوارتر می‌کنند، اما ضعف‌های داخلی نیز در تشدید بحران نقش دارند. پیمان عالمی، رئیس اتاق اصناف کشاورزی، بر ضرورت همکاری بیشتر نهادهای اقتصادی با بخش خصوصی تأکید کرده است. این نگاه قابل توجه است؛ زیرا فعال اقتصادی زمانی می‌تواند برای آینده برنامه‌ریزی کند که سیاست‌گذار، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و بخش خصوصی در یک مسیر هماهنگ حرکت کنند. راهکار چیست؟ به نظر می‌رسد سیاست ارزی باید از «ارزشیاب صرف» به سمت اعتمادسازی ارزی حرکت کند. شفافیت در منابع و مصارف ارز، کاهش شکاف میان نرخ‌های مختلف، کنترل کسری بودجه، جلوگیری از خلق پول بی‌ضابطه، تسهیل بازگشت ارز صادراتی، توسعه میزبانی متنوع تجارت و پرداخت و هماهنگی واقعی میان دستگاه‌های اقتصادی، بخشی از این نقشه راه است. دولت همچنین باید برای مردم، تاجار و تولیدکنندگان یک چارچوب روشن و قابل پیش‌بینی ایجاد کند. در شرایطی که قیمت ارز هر روز تغییر می‌کند، تولیدکننده نمی‌تواند مواد اولیه را با یک نرخ بخرد و محصول خود را با نرخ قدیمی بفروشد. تاجر نیز نمی‌تواند کالایی را که امروز با هزینه بالاتر خریداری کرده، چند روز بعد را قیمت گذشته عرضه کند. نتیجه چنین وضعیتی، کاهش عرضه، توقف معاملات و قیمت‌گذاری بر اساس «هزینه جایگزینی» است. به همین دلیل، بسته شدن برخی واحدهای صنعتی یا خودداری آنها از اعلام قیمت قطعی را نباید در همه موارد صرفاً به احتکار یا سودجویی نسبت داد. بخشی از این رفتار می‌تواند واکنش دفاعی بنگاه‌ها در برابر بی‌ثباتی باشد؛ هرچند اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، کاهش عرضه خود می‌تواند به افزایش بیشتر قیمت‌ها و تشدید تورم منجر شود.

در این میان، نقشه راه مردم و فعالان اقتصادی نیز اهمیت دارد. خرید هیجانی ارز می‌تواند به افزایش تقاضا و تشدید التهاب بازار کمک کند. تولیدکننده باید سرمایه در گردش خود را حفظ و ریسک ارزی معاملات را مدیریت کند؛ تاجر باید ریسک نوسان ارز را در قراردادهای خود لحاظ کند و دولت باید به جای تکیه مداوم بر مداخلات کوتاه‌مدت، یک چارچوب شفاف و قابل پیش‌بینی برای بازار ارائه دهد. در نهایت، **دلار را نمی‌توان فقط با دلار شکست داد.* اگر قرار است نرخ ارز واقعاً کنترل شود، باید عواملی را کنترل کرد که مردم، تاجر و حتی تولیدکنندگان را به سمت خرید ارز سوق می‌دهند. ارزشیابی می‌تواند زمان بخرد، اما اگر همزمان اصلاحات پولی، بودجه‌ای، تجاری و ارزی انجام نشود، ممکن است فقط ذخایر ارزی کشور را کاهش دهد بدون آنکه ریشه بحران را از بین ببرد. اقتصاد ایران بیش از یک «دلارفروش بزرگ»، به سیاستی نیاز دارد که دوباره تولید، سرمایه‌گذاری و نگهداری ریال را برای فعال اقتصادی قابل پیش‌بینی و قابل اتکا کند.

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که در کنار اظهارات همزمان دیگر مقام‌های کشور قرار گیرد. حمیدرضا حاجی‌بابایی، نایب‌رئیس مجلس، همان روز تأیید کرد که مذاکرات با آمریکا در حال انجام است و عباس عراقچی، وزیر امور خارجه نیز در جمع سفرا و نمایندگان خارجی در تهران گفت ایران برای دستیابی به راه‌حل دیپلماتیک آمادگی دارد، اما در صورت ازسرگیری برخورد نظامی، پاسخ محکم‌تری خواهد داد.

کنار هم قرار دادن این سه موضع، تصویری نسبتاً روشن از راهبرد فعلی تهران ارائه می‌دهد: ادامه دیپلماسی، بدون کنار گذاشتن اهرم‌های قدرت.

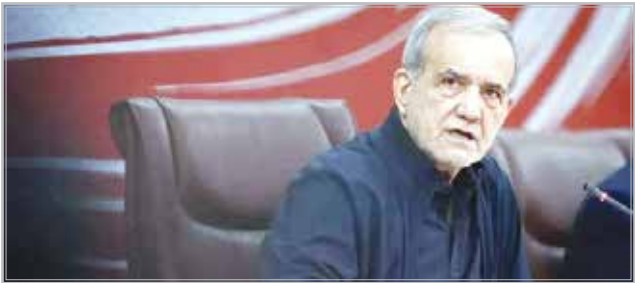
هرمز در مرکز مذاکرات

قالبیاف در نقط خود گفت آمریکایی‌ها اخیراً از طریق میانجی پیشنهادهایی مطرح کرده‌اند، اما تهران حاضر نیست وارد فرآیندی شود که به گفته او صرفاً زمان را فرسوده کند یا مطالبات یک‌طرفه واشنگتن را پیش ببرد. به همین دلیل، اجرای هفت شرط مندرج در تفاهنامه اسلام‌آباد را شرط بازگشایی تنگه اعلام کرد. این موضع با روند مذاکرات روزهای گذشته نیز ارتباط مستقیم دارد. روترتیز گزارش داده است که ایران پیشنهاد هفت‌روژه‌ای برای کاهش تنش ارائه کرده و آمریکا نیز پاسخ خود را از طریق میانجی قطری منتقل کرده است. براساس این گزارش، یکی از اختلافات موجود نه لزوماً بر سر اصل همه اجزای تفاهم، بلکه بر سر ترتیب اجرای اقدامات دو طرف است.

موضوع از این جهت اهمیت دارد که «چه کسی ابتدا اقدام کند» در مذاکرات ایران و آمریکا همواره مسئله‌ای تعیین‌کننده بوده است. تهران خواهان مشاهده اقدامات عملی طرف مقابل پیش از کنار گذاشتن اهرم‌های خود است و واشنگتن نیز خواسته‌های متقابلی را مطرح کرده است. هرمز اکنون به مهم‌ترین نمود این اختلاف تبدیل شده است. در واقع پیام سخنان قالبیاف این است که بازگشایی تنگه نباید نقطه آغاز اجرای توافق باشد، مگر اینکه شروط مورد نظر ایران نیز وارد مرحله اجرا شود.

مذاکراتی از موضع قدرت

بخش دیگری از سخنان رئیس مجلس نیز همین منطق را توضیح می‌دهد. قالبیاف گفت ایران «هم می‌جنگد و هم مذاکره می‌کند» و دیپلماسی را در کنار توان دفاعی بخشی از راهبرد کشور دانست. فارغ از ادبیات سیاسی این سخنان، مفهوم اصلی آن تأکید بر پیوند میان قدرت میدانی و قدرت چانه‌زنی است. اظهارات حاجی‌بابایی نیز مکمل همین دیدگاه بود. نایب‌رئیس مجلس صراحتاً گفت مذاکرات با آمریکا در حال انجام است، اما رسیدن به جمع‌بندی نیازمند برخورداری ایران از «قدرت بالا» است. او به طور مشخص تنگه هرمز را یکی از حوزه‌هایی دانست که از نگاه او می‌تواند قدرت چانه‌زنی تهران را افزایش دهد.



گروه سیاسی -مسعود پزشکیان از «آرایش جدید» دولت برای مدیریت شرایط ویژه کشور خبر داده است؛ عبارتی که در شرایط فعلی اقتصاد ایران بیش از هر چیز نشان می‌دهد دولت نیز وضعیت موجود را عادی نمی‌داند و برای ماه‌های پیش رو به دنبال تغییراتی در شیوه مدیریت اقتصاد است.

رئیس‌جمهوری در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که هدف فشارهای ماه‌های گذشته، قطع شریان‌های حیاتی کشور و افزایش فشار بر مردم بوده است. پزشکیان در عین حال تصریح کرد فشار اقتصادی افزایش یافته، اما به همراهی مردم و تدابیر دولت، اهداف موردنظر در «جنگ اقتصادی» محقق نشده است.

این سخنان را می‌توان از دو زاویه بررسی کرد. نخست، توان اقتصاد ایران برای حفظ جریان‌های اصلی تأمین کالا و اداره کشور در شرایطی که فشارهای خارجی افزایش یافته است. زاویه دوم اما مستقیماً به زندگی مردم مربوط می‌شود؛ اینکه هزینه عبور از این شرایط برای خانوار ایرانی چقدر بوده و «آرایش جدید» دولت قرار است چه تغییری در این هزینه ایجاد کند؟

دو تصویر از یک اقتصاد

این دو موضوع الزاماً با یکدیگر متناقض نیستند. ممکن است هدف فشار خارجی برای ایجاد اختلال اساسی در تأمین نیازهای کشور محقق نشده باشد، اما در همان حال خانوارها

«ابتکار» صحبت‌های قالبیاف در مورد آخرین تحولات میان ایران و آمریکا را بررسی می‌کند

هم جنگ، هم مذاکره

گروه سیاسی - دوران فرسایشی زمان و دیکنته کردن مطالبات یک‌طرفه گذشته است. این شاید مهم‌ترین بخش سخنان روز یکشنبه محمدباقر قالبیاف باشد؛ سخنانی که در شرایط ادامه تماس‌های غیرمستقیم تهران و واشنگتن، بار دیگر موضوع ایران درباره تنگه هرمز را در مرکز توجه قرار داد. رئیس مجلس تأکید کرد تا زمانی که هفت شرط ایران براساس تفاهم‌نامه اسلام‌آباد محقق نشود، تنگه هرمز بازگشایی نخواهد شد.



به این ترتیب، مجلس در حال ارسال این پیام است که ادامه مذاکره به معنای عقب‌نشینی از ابزارهای فشار نیست. از این منظر، هرمز تنها یک آبراه راهبردی نیست؛ بخشی از معادله مذاکراتی تهران و واشنگتن است.

چرا هرمز اهمیت دارد؟

اهمیت این اهرم را باید در جایگاه تنگه هرمز در بازار جهانی انرژی جست‌وجو کرد. ادامه اختلال در این مسیر طی ماه‌های گذشته بازار نفت را تحت فشار قرار داده است. روترتیز در اواخر سپتامبر گزارش کرد نفت برنت در پنجوجه نگرانی درباره ادامه اختلال عرضه در محدوده ۱۰۵ دلار معامله شده بود.

به همین دلیل، مذاکرات درباره هرمز تنها مسئله‌ای میان ایران و آمریکا نیست. کشورهای صادرکننده نفت در منطقه، واردکنندگان

آرایش جدید برای روزهای سخت

با کاهش قدرت خرید، افزایش قیمت کالاها و بی‌ثباتی در بازارها مواجه باشند. خود رئیس‌جمهور نیز با تأکید بر اینکه «فشار اقتصادی افزایش پیدا کرده» عملاً این بخش از واقعیت موجود را تأیید کرده است. از همین رو، مرحله بعدی سیاست دولت باید مظلوف به کاهش همین فشار باشد. برای یک خانوار، موفقیت سیاست اقتصادی نهایتاً با شاخص‌هایی بسیار ملموس سنجیده می‌شود: قیمت مواد غذایی، اجاره مسکن، هزینه درمان، وضعیت اشتغال و قدرت خرید درآمد ماهانه. بنابراین حفظ شریان‌های اقتصادی کشور اگرچه یک دستاورد ضروری در شرایط ویژه است، اما کافی نیست؛ مرحله دشوارتر، انتقال این تاب‌آوری از سطح اقتصاد کلان به سفره خانوار است.

آرایش جدید چیست؟

مهم‌ترین ابهام در پیام رئیس‌جمهور نیز به همین عبارت بازمی‌گردد. پزشکیان گفته دولت «آرایش جدید» گرفته، اما در این پیام توضیح بیشتری درباره اجزای این برنامه ارائه نکرده است.

این آرایشی می‌تواند مجموعه‌ای از اقدامات برای تأمین کالاهای اساسی، مدیریت بازار ارز، حمایت از تولید، کنترل هزینه‌های دولت و تقویت سیاست‌های معیشتی را دربرگیرد. اما آنچه برای جامعه اهمیت دارد، تبدیل این عبارت به برنامه‌ای روشن و قابل ارزیابی است. در شرایط عادی شاید اعلام جهت‌گیری کلی دولت کفایت کند، اما در دوره فشار اقتصادی، انتظارات متفاوت است. فعال اقتصادی باید بداند سیاست ارزی و تجاری دولت چه مسیری خواهد داشت و خانوار نیز باید بتواند تصویری از سیاست دولت برای حفظ قدرت خرید خود داشته باشد. از این منظر، شاید دولت بیش از هر زمان دیگری به «سیاست ارتباطی اقتصادی» نیاز دارد؛ یعنی علاوه بر اجرای برنامه‌ها، برای جامعه توضیح دهد چه اقداماتی انجام می‌شود، هدف هر اقدام چیست و نتایج آن در چه بازه‌ای باید مشاهده شود.

اقتصاد را مردم با سفره می‌سنجند

یکی از نقاط قوت پیام پزشکیان، اشاره مستقیم او به افزایش فشار اقتصادی است. پذیرش دشواری شرایط می‌تواند نقطه آغاز سیاست‌گذاری واقع‌بینانه باشد. اما درست از

سیاست روز

سیاست روز

طرح هفت‌روزه خود را برای حل اختلافات و پایان دادن به جنگ ارائه کرده است و در صورت اجرای این طرح، امکان بازگشایی تنگه هرمز ظرف هفت روز وجود دارد. او این پیشنهاد را نشانه جدیت ایران در استفاده از مسیر دیپلماسی دانست.

عراقچی در عین حال تأکید کرد تهران در «دفاع از خود و پیشبرد دیپلماسی» به صورت همزمان جدی است. به گفته او، اگر مسیر نظامی دوباره دنبال شود، ایران پاسخ خواهد داد و اگر طرف مقابل مسیر سیاسی را انتخاب کند، تهران برای دستیابی به راه‌حلی جهت پایان دادن به جنگ آماده است.

این سخنان از آن جهت قابل توجه‌است که مخاطب آن دیپلمات‌های خارجی مستقر در تهران بودند. در واقع وزارت خارجه تلاش دارد به کشورهای دیگر اطمینان دهد که در کنار مواضع بازدارنده، مسیر توافق همچنان باز است.

اختلاف بر سر «چگونگی اجرا»

مجموع تحولات چند روز گذشته نشان می‌دهد اصل مذاکره میان تهران و واشنگتن متوقف نشده است. روترتیز پیش‌تر گزارش داده بود آمریکا از طریق قطر بازخورد خود درباره پیشنهاد ایران را منتقل کرده و رازیني‌ها برای کاهش فاصله میان دو طرف ادامه دارد. اما پیچیده‌ترین بخش هر توافق احتمالی، چگونگی اجرای تعهدات خواهد بود. اگر ایران بازگشایی هرمز را منوط به تحقق شروط خود می‌داند و آمریکا نیز اجرای برخی اقدامات را به گام‌های تهران وابسته کند، مسئله «ترتیب اجرا» می‌تواند مذاکرات را با بن‌بست روبه‌رو کند.

در چنین شرایطی نقش میانجی‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. یکی از راه‌های عبور از این مشکل می‌تواند طراحی فرآیندی مرحله‌ای و همزمان باشد که در آن هر اقدام یک طرف با اقدام متناظر طرف دیگر همراه شود؛ موضوعی که البته حصول توافق درباره آن همچنان نیازمند مذاکرات بیشتر است.

هفت شرط و یک پیام

از این منظر، سخنان روز یکشنبه قالبیاف را می‌توان بیش از هر چیز تعیین خطوط مذاکراتی تهران دانست. رئیس مجلس می‌گوید ایران حاضر به مذاکره است، اما انتظار دارد نتیجه مذاکرات در اقدامات عملی طرف مقابل دیده شود.

تفاوت مهم مرحله کنونی نیز شاید همین باشد. برخلاف فضایی که در آن دیپلماسی و قدرت نظامی دو مسیر متضاد تلقی می‌شدند، مواضع روز یکشنبه مقام‌های ایرانی نشان می‌دهد تهران اکنون تلاش دارد این دو را ازجای یک راهبرد واحد معرفی کند.

هنوز مشخص نیست پاسخ نهایی واشنگتن به این چارچوب چه خواهد بود و آیا میانجی‌ها قادر خواهند بود اختلاف بر سر ترتیب اجرای تعهدات را حل کنند یا خیر. اما دست‌کم موضع اعلامی تهران روشن‌تر شده است: مسیر مذاکره باز است، اما مسیر هرمز به اجرای هفت شرط گره خورده است.

همین نقطه، انتظار از دولت نیز افزایش پیدا می‌کند. اگر فشار اقتصادی بیشتر شده است، سیاست حمایتی نیز باید متناسب با آن تغییر کند. حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، تأمین پایدار کالاهای ضروری، جلوگیری از شوک‌های ناگهانی به بازار و ایجاد ثبات نسبی در معییمات اقتصادی می‌تواند در چنین شرایطی اهمیت بیشتری پیدا کند. در عین حال باید مراقب بود که حمایت معیشتی خود به عامل ایجاد تورم جدید تبدیل نشود. تزریق منابع بدون پشتوانه ممکن است در کوتاه‌مدت بخشی از فشار را کاهش دهد، اما اگر به افزایش نقدینگی و کسری بودجه منجر شود، در نهایت همان خانوار دریافت‌کننده حمایت هزینه آن را از طریق تورم پرداخت خواهد کرد. به همین دلیل «آرایش جدید» اقتصاد نمی‌تواند تنها مجموعه‌ای از بسته‌های حمایتی باشد؛ بلکه کنترل عوامل تورم‌زا نیز باید بخش اصلی آن باشد.

هرامی مردم، مسئولیت بیشتر دولت

پزشکیان در پیام خود سهم مهمی برای «همراهی مردم» در عبور از ماه‌های گذشته قائل شده است. همین نکته مسئولیت سیاست‌گذار را نیز سنگین‌تر می‌کند. جامعه‌ای که بخشی از هزینه فشار اقتصادی را تحمل کرده، طبیعتاً انتظار دارد سیاست‌های دولت به حفظ بیشتر قدرت خرید و ثبات زندگی روزمره منجر شود. بنابراین شاید مهم‌ترین پرسش پس از پیام رئیس‌جمهور این باشد که مرحله بعد چیست؟

اگر دولت واقعاً وارد آرایش تازه‌ای شده، اعلام جزئیات آن می‌تواند هم به کاهش نااطمینانی کمک کند و هم امکان ارزیابی عملکرد دستگاه‌های مختلف فراهم‌آورد. اقتصاد در شرایط ویژه بیش از وعده‌های بزرگ به تصمیم‌های قابل پیش‌بینی، هماهنگ و داری نتیجه ملموس نیاز دارد. مقاومت در برابر فشار خارجی یک سوی معادله است؛ سوی دیگر، حفظ توان اقتصادی جامعه برای ادامه این مسیر است. موفقیت نهایی زمانی معنا پیدا می‌کند که در کنار استمرار فعالیت شریان‌های حیاتی کشور، فشار واردشده بر زندگی روزمره مردم نیز کاهش یابد. از این رو، سخنان پزشکیان بیش از آنکه پایان یک دوره باشد، می‌تواند آغاز یک مطالبه باشد: اگر دولت آرایش اقتصادی خود را تغییر داده است، اثر این تغییر باید در نهایت در بازار، ثبات قیمت‌ها و سفره خانوار دیده شود.

بسمه تعالی

آگهی موضوع ماده سه قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۵۱۹ و ۲۵۲۰ و ۲۵۲۱ و ۲۵۲۳ و ۲۸۴۹ و ۲۸۶۷ و ۲۸۷۲ و ۳۲۰۶و۳۲۰۵ و ۳۲۰۷ مورخ ۰۹ و ۳۰ و ۳۱ و۰۴،۱۶و ۱۴۰۵،۰۵ سادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان ماکو تصرف مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است، لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسنادو املاک شهرستان ماکوتسليم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. آقای ابراهيم محمد زاده به شماره شناسنامه ۱۵۱ و کد ملی ۲۸۳۰۳۹۳۵۷۰ سادره از ماکو فرزند شیرخان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۰۱۷۲متر مربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۲۷۳- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای شیرخان محمد زاده پرورنده ی کلاسه ۳۵۷۰-۱۴۰۴.

آقای ابراهيم محمد زاده به شماره شناسنامه ۱۵۱ و کد ملی ۲۸۳۰۳۹۳۵۷۰ سادره از ماکو فرزند شیرخان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۶۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۲۷۳- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای شیرخان محمد زاده پرورنده ی کلاسه ۳۵۷۰-۱۴۰۴.

آقای ابراهيم محمد زاده به شماره شناسنامه ۱۵۱ و کد ملی ۲۸۳۰۳۹۳۵۷۰ سادره از ماکو فرزند شیرخان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۴۴متر مربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۲۷۴- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای حسن باقر زاده پرورنده ی کلاسه ۳۵۷۰-۱۴۰۴.

آقای ابراهيم محمد زاده به شماره شناسنامه ۱۵۱ و کد ملی ۲۸۳۰۳۹۳۵۷۰ سادره از ماکو فرزند شیرخان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۲۸۵متر مربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۲۷۴- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای حسن باقر زاده پرورنده ی کلاسه ۳۵۷۰-۱۴۰۴.

آقای ابراهيم محمد زاده به شماره شناسنامه ۱۵۱ و کد ملی ۲۸۳۰۳۹۳۵۷۰ سادره از ماکو فرزند شیرخان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۶۶،۷۹ متر مربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۲۷۳- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای شیرخان محمد زاده پرورنده ی کلاسه ۳۵۷۰-۱۴۰۴.

آقای ابراهيم محمد زاده به شماره شناسنامه ۱۵۱ و کد ملی ۲۸۳۰۳۹۳۵۷۰ سادره از ماکو فرزند شیرخان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۹۶۲،۰۲مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۲۷۴- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای حسن باقر زاده پرورنده ی کلاسه ۳۵۷۰-۱۴۰۴.

آقای اروچعلی محمد زاده به شماره شناسنامه ۵ و کد ملی ۲۸۳۰۹۴۸۰۵۱ سادره از ماکو فرزند شیرخان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۲۶۹،۷۲مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۲۷۳- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای شیرخان محمد زاده پرورنده ی کلاسه ۴۸۰۵۱-۱۲۰۴.

آقای رو جمعی محمد زاده به شماره شناسنامه ۵ و کد ملی ۲۸۳۰۹۴۸۰۵۱ سادره از ماکو فرزند شیرخان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۸۲،۳۳متر مربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۲۷۳- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای شیرخان محمد زاده پرورنده ی کلاسه ۴۸۰۵۱-۱۴۰۴.

۱۰- آقای اروچعلی محمد زاده به شماره شناسنامه ۵ و کد ملی ۲۸۳۰۹۴۸۰۵۱ سادره از ماکو فرزند شیرخان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۹،۸۲متر مربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۲۷۳- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای شیرخان محمد زاده پرورنده ی کلاسه ۴۸۰۵۱-۱۴۰۴.

۱۱- آقای اروچعلی محمد زاده به شماره شناسنامه ۵ و کد ملی ۲۸۳۰۹۴۸۰۵۱ سادره از ماکو فرزند شیرخان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۹،۸۲متر مربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۲۷۳- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای شیرخان محمد زاده پرورنده ی کلاسه ۴۸۰۵۱-۱۴۰۴.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵،۰۶،۲۹ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵،۰۷،۱۳ در روزنامه ی محلی و روزنامه رسمی

عسگر اسماعیلی

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ماکو ۴۵۱۲

عسگر اسماعیلی

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ماکو ۴۵۱۵